

حوادث۱۹ جامجم

تلنگر

تصادف در اسکله

تصادف خودروی سواری با کمک راننده یک دستگاه تریلی کشنده در اسکله۲۰ بندر شهید رجایی، باعث سقوط خودرو به حوضچه و مرگ یک نفر شد.
ادهم رضوانی، رئیس اداره ارتباطات و اطلاع رسانی اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان در این باره به ایسناگفت: ساعت ۳ و ۲۶ دقیقه صبح دیروز ، هفتم آبان امسال در محدوده اسکه۲۰ بندر شهیدرجایی، خودروی سواری متعلق به شرکت اپراتوربا کمک راننده یک کشنده که دراسکله ۲۰ بود، تصادف کرد. در ادامه خودروی سواری به درون حوضچه سقوط کرد.
با حضور تیم‌های ایمنی و آتش نشانی و غواصی، خودرو و حادثه‌دیدگان از درون آب دریا بیرون آورده شدند اما کمک راننده تریلی فوت شد و راننده خودروی سواری هم مصدوم و به بیمارستان انتقال یافت.

ایثار بزرگ آقای معلم

خانواده معلم بازنشسته بعداز مرگ مغزی وی، اعضای بدن او را به بیماران هدیه کردند.
به گزارش روابط عمومی علوم پزشکی سمنان، در این اقدام انساندوستانه خانواده رحمان میرزایی ۵۴ساله که معلم بازنشسته بود و بر اثر حادثه تصادف مرگ مغزی شده بود، اعضای بدن او به بیماران اهدا شدو به آنها زندگی بخشید.
این خانواده با آگاهی از اقدام پدر به دریافت کارت اهدای عضو و وصیت وی به اهدای عضو در صورت رخداد مرگ مغزی، طی اقدامی خیرخواهانه به اهدای اعضای این معلم فداکار رضایت دادند.

صلح و بخشش بعداز ۷ سال

درگیری هفت ساله در روستای پتک جلالی که منجر به کشته شدن ۱۸ نفرشده بود، سرانجام به صلح رسید.
به گزارش فارس، پس از هفت سال نزاع خونین میان دو طایفه محمدی و محمد موسایی با میانجیگری مسؤولان، منتهی به صلح و سازش شد.
درگیری ها بین این طایفه در سال‌های اخیر منجر به کشته شدن ۱۸ نفر، قحاص دو نفر، مجروحیت ۱۵۰ نفر و آوارگی ۳۰۰ خانوار شده بود.
سرانجام با حضور سردار شاهراپور، فرمانده سپاه ولیعصر (عج) خوزستان، معاون قوه قضاییه و طرفین درگیری و اعضای شورای تأمین، سادات، امام جمعه رامهرمز و بزرگان ایل ممبینی در قرارگاه حضرت ابوالفضل العباس(ع) خوزستان، این درگیری‌های خونین ختم به‌خیر شد.

پایان فرار قاتل بعداز ۱۳سال

مردی که ۱۳ اسال قبل فردی را در کرمان کشته و به شهر یزد گریخته بود، بازداشت شد.
سرتیپ عباسعلی بهدانی فرد، فرمانده انتظامی یزد به سایت پلیس گفت: چندی پیش با توجه به حضور مشکوک مردی در یکی از محله‌های شهر یزد بررسی موضوع در دستور کار مأموران قرار گرفت.
در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد او سال ۸۷ طی درگیری با سلاح سرد در یکی از شهرهای کرمان، جوانی را به قتل رسانده و از آن موقع متواری بوده است.
بنابراین مأموران وارد مخفیگاه او در یکی از محله‌های شهر یزد شده و قاتل فراری در آنجا بازداشت شد.
قرار شد او تحویل پلیس کرمان برای ادامه تحقیقات شود.

درگیری دامداران با ۶مصدوم

در جریان نزاع دسته جمعی در یکی از روستاهای شهرستان ایوان، شش نفر از طرفین دعوا مجروح و روانه بیمارستان شدند.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ایلام، سرهنگ سعید عالی پور، فرمانده انتظامی ایوان استان ایلام روز جمعه دراین باره گفت: پس از تماس فردی با پلیس ۱۱۰ مبنی بر نزاع جمعی و مجروح شدن چند نفر در منطقه سپاهگل بخش زرنه، ماموران برای تحقیقات به آنجا اعزام شدند.
تحقیقات اولیه نشان داد درگیری میان تعدادی از دامداران یکی از روستاهای تابع بخش زرنه رخ داده وشش نفر از طرفین دعوا زخمی و در بیمارستان بستری شده‌اند.
تحقیقات پلیسی نشان داد علت این درگیری دامداران بر سر چراگاه بود.

غرق شدن لنج باری در آب

فرمانده ناوتیپ ۴۱۲ ذلققار نیروی دریایی سپاه از غرق شدن یک فروند لنج باری مسیردبی–آبادان در آب‌های پارسیان خبرداد.
سرهنگ احمد حاجیان به ایرناگفت: با درخواست کمک از سوی یک فروند لنج باری، بلافاصله نیروهای این ناوتیپ به‌همراه بسیج دریایی بستانون عازم نقطه حادثه در هفت مایلی اسکله جوادالائمه شهرستان پارسیان شدند.
نیروهای اعزامی توانستند هفت خدمه لنج باری را نجات دهند و به سلامت به ساحل منتقل کنند.
ابن لنج باری از دبی عازم آبادان بود که به‌دلیل شکستگی دچار آبگرفتگی و پس از آن غرق شد.



اطراف آن علائم هشداردهنده نیز نصب نکرده بودند و همین باعث شد که زن ۳۰ساله که در حال عبور از محل بود متوجه ماجرا نشده و به داخل آن سقوط کند.
آتش نشان‌ها با ایمن‌سازی محل، او را از داخل چاهی که سقوطکرده و مصدوم شده بود زنده بیرون آوردند.



شد در دامداری با مرد دامدار درگیر شده و با تبر او را کشته‌اند.
پسر ۱۴ ساله اوشاهد جنایت بوده که وی را نیز با ضربه‌های تبر به قتل رسانده و بعد۲۰ میلیون تومان پول‌های مقتول را دزدیده‌اند.
آنها برای افشا نشدن راز جنایت، اجساد را در خودرو گذاشته و سوزانده‌اند.
با اعتراف وی همدست فراری اش هم تحت تعقیب پلیس آگاهی استان گلستان قرار گرفت و عصر دیروز ماموران موفق به دستگیری او شدند.

آزار شیطانی دختر عطر فروش



پسر جوان به بهانه خرید عطر با دختر جوان قرار گذاشت، اما با همدستی دوستش، دختر جوان را آزار داد و کارت بانکی اش را سرقت کردند.
به گزارش خبرنگار جام جم، چندی قبل دختر جوانی به نام سحر با مراجعه به پلیس، با شکایت از دو پسر جوان مدعی شد از سوی آنها مورد آزار و اذیت قرار گرفته است.

دختر جوان در شکایت خود گفت: «در اینستاگرام عطر و ادکلن می‌فروشم. چند روز قبل مرد جوانی با من تماس گرفت و سفارش عطر داد. ساعتی بعد او همراه مرد دیگری برای گرفتن عطر به مقابل خانه‌ام آمده و وقتی فهمیدند در خانه تنها هستم، با تهدید مرا به داخل خانه هل داده و به زور مورد آزار و اذیت قرار دادند. بعد هم با سرقت کارت بانکی گریختند.»

در ادامه این دختر با دستور قضایی به پزشکی قانونی معرفی شد که پزشکان با معاینه او، آزار و اذیتش را تایید کردند.
تلاش‌ها برای دستگیری متهمان ادامه داشت تا این‌که چند روز قبل یکی از متهمان با ردزنی پلیسی شناسایی و دستگیر شد. اما همدستش به نام کاوه موفق به فرار شد.

به این ترتیب پرونده برای تحقیقات بیشتر به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.
متهم در این جلسه گفت: «من شاکي را آزار ندادم و دوستم کاوه مرتکب این کار شد. من کارت بانکی او را برداشته و از آن پول برداشت کردم.»

شاهرخ درباره روز حادثه گفت: «آن روز کاوه با من تماس گرفت و مدعی شد سفارش عطر داده و از من خواست همراهش بروم تا آن را از فروشنده بگیرد. وقتی به آنجا رسیدیم، کاوه پیشنهاد سرقت داد و من قبول کردم. باور کنید من فقط سرقت را انجام دادم و شاکي را آزار ندادم. کارت شاکي را گرفتم و پول‌های داخل آن را به کارت دیگری انتقال داد و بعد برداشت کردم.»

در ادامه دختر جوان درباره شکایتش به قضات گفت: «بعد از شیوع کرونا، مجبور شدم محصولاتم را اینترنتی بفروشم. از کشورهای دیگر ادکلن و عطر می‌آوردم و با تبلیغ در فضای مجازی، می‌فروختم. روز حادثه متهم فراری با من تماس گرفت و سفارش عطر داد و قرار شد خودش برای بردن آن بیاید. وقتی برای تحویل سفارش مقابل در رفتم، دو پسر جوان به زور وارد خانه‌ام شدند و من را مورد آزار و اذیت قرار دادند. بعد هم کارت بانکی‌ام را رمز آن را گرفته و هرچه پول در آن بود را خالی کردند. کاوه وحشیانه مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. این متهم هم مرا کتک زد و آزار داد. بعد هم کارت‌م را گرفت.»

پس از این جلسه، شاهرخ بازداشت شد و تحقیقات برای دستگیری متهم فراری ادامه دارد.

قتل؛ پایان درگیری شبانه ۲ کارگر

پسر ۱۸ساله که در جریان درگیری با همکارش او را کشته و متواری شده بود، بعداز سه ماه فرار بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، صبح سه‌شنبه دوازدهم مرداد امسال جسد کارگر ۲۸ساله‌ای در تعمیرگاه خودرو در محله فرجام تهران درحالی از سوی کارفرمایش پیدا شد که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود.
در ادامه، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به آنجا اعزام و در بررسی‌های اولیه متوجه شدند ساعتی از مرگش گذشته و آثار دفاعی روی بدنش وجود دارد که نشان می‌دهد قبل از مرگ با قاتل درگیر شده است.
این در حالی بود که پلیس در جریان تحقیقات متوجه شد مقتول از دو سال



قبل آنجا کار می‌کرده است.
همچنین مشخص شد پسر ۱۸ساله که به تازگی آنجا مشغول کار شده بود، بعد از این جنایت ناپدید شده و خبری از او نبود.
با بررسی دوربین‌های مداربسته آنجا مشخص شد، پسر ۱۸ساله شب جنایت با لباس خونین آنجا را ترک کرده بود.
او تحت تعقیب پلیس بود تا این‌که بعد از سه ماه فرار، چند روز پیش در یکی از شهرهای شمالی کشور شناسایی و بازداشت شد.

متهم در جریان تحقیقات پلیسی گفت: ۱۲روز قبل از جنایت برای کار از شهرستان به تهران آمدم و در تعمیرگاه مشغول کارشدم. مقتول چند سالی می‌شد در آنجا کار می‌کرد. سعی می‌کردم به او نزدیک شوم تا کار را از او یاد بگیرم اما او شکاک بود و تصور کرد می‌خواهم جای او را بگیرم. شب جنایت متوجه شدم او در حال سرقت گوشی تلفن همراه و پول‌هایم است که با او درگیر شدم. چاقویی برداشته و با آن ضربه‌هایی به وی زدم و فرارکردم. چند ساعت در خیابان سرگردان بودم. حتی ترسیدم به شهرستان بروم. لباس‌هایم را عوض کرده و به شمال کشور رفته و در آنجا مخفیانه زندگی می‌کردم.

محمد تقی شعبانی، بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران در این باره به جام جم گفت: با اعتراف متهم جوان، او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

در چاه در میدان دریاچه، خیابان مظفر به آتش نشانی تهران گزارش شد و در ادامه دو گروه از آتش نشان‌ها به محل اعزام شدند.
در بررسی‌ها معلوم شد محل حادثه محوطه بیرونی یک برج مسکونی بوده که یک چاه نیمه‌کاره با عمق ۲۸متر در محل حفر شده بود.
شواهد نشان داد روی چاه را با الوار پوشانده و در

نجات زن جوان از عمق چاه

نبود علائم هشداردهنده در کنار چاه حفرشده در خیابان باعث سقوط زنی داخل آن و مصدومیت وی شد.

به گزارش جام جم، جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران در این باره گفت: عصر پنجشنبه ششم آبان امسال، وقوع حادثه سقوط

رازگشایی از قتل هولناک مرد دامدار و پسرش

آدم‌کشی به‌خاطر سرقت ۲۰میلیون تومان

راز قتل مرد دامدار و

پسرش که قربانی سرقت ۲۰ میلیونی شده بودند، فاش شد.
یکی از کارکنان دامداری

با همدستی دو مرد دیگر نقشه این سرقت مرگبار را طراحی کرده بودند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۸ صبح آخرین روز مهر امسال، اجساد سوخته دو مرد در یک خودروی وانت مزدا در جاده منتهی به روستای قلعه محمود گرگان استان گلستان پیدا شد.
کارآگاهان پلیس آگاهی استان گلستان پس از بررسی و سنجش اثرات سمی و

نقشه عجیب دزدان برای فراری دادن همدست‌شان از کلانتری

اعضای باندی با ربودن مسافران و تهدید، کارت بانکی آنها را گرفته و با موجودی حسابشان طلا می‌خریدند.
متهمان در صورت گرفتار شدن، با نقشه‌ای عجیب خود را نجات می‌دادند.
به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل مهر امسال مرد جوانی با حضور در شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴تهران، ازسه مرد و یک زن به اتهام آدم‌ربایی و سرقت پول‌هایش شکایت کرد.

شاکي در جریان تحقیقات گفت: از



محل کارم در شمال تهران بیرون آمدم تا به خانه بروم که سوار پرایدی با سه سرنشین شدم. سرنشینان پراید در میانه راه با چاقو تهدیدم کردند و کارت‌م و رمز آن را گرفتند. بعد با دستگاه پوزی که داشتند، موجودی آن را گرفتند. فهمیدند ۲۰میلیون تومان دارم، دو ساعتی گروگان آنها بودم تا یکی از آنها با کارت ملی‌ام به طلافروشی

رفت و با خرید طلا برگشت و بعد مرا با دست و پای بسته در خیابان رها کردند.

با این شکایت، رسیدگی به پرونده در دستور کار پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.
این در حالی بود که افراد دیگری با حضور در پلیس آگاهی شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند.
در جریان تحقیقات معلوم شد سارقان زمانی که درخريد طلا با کارت مالباخته‌ها ناکام مانده و با هوشیاری طلافروش دستگیری می‌شدند، نقشه عجیبی را اجرا می‌کردند.
آنها مالباخته را مجبور می‌کردند به کلانتری برود و ادعا کند فرد دستگیر شده کارگر اوست که با کارت او قصد خرید طلا دارد.

سرانجام روزهای پایانی هفته گذشته یکی از شاکیان وقتی همراه یکی از دزدان که دختر جوانی بود، وارد کلانتری شد با داد و فریاد مأموران را با خبر کرد و دختر جوان دستگیر شد.

شاکي در جریان تحقیقات گفت: این مرد که در طلافروشی بازداشت شده، با دو نفر از همدستانش مرا ربودند و وقتی فهمیدند در حسام ۲۸میلیون تومان دارم، برای خرید طلا وارد یک طلافروشی شدند اما با هوشیاری مرد طلافروش یکی از آنها دستگیر شد.
آنها سپس از من خواستند همراه دختر جوانی به کلانتری بروم و با ادعای این‌که فرد بازداشت شده کارگرم است، او را آزاد کنم.
آنها تهدید کردند اگر طبق نقشه آنها عمل نکنم، مرا خواهند کشت.

علیرضا بهشتی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴تهران در این باره گفت: با اعتراف دو متهم بازداشت شده، تحقیقات برای دستگیری دو افغان فراری که اعضای فراری این باند هستند، ادامه دارد.

عامل قتل پسر جوان در جلسه دادگاه ادعای جدیدی را مطرح کرد

هواخواهی مرگبار از مردان افغان



پسر جوان که برای هواخواهی از چند افغان با جوان مست درگیر شده بود، با ضربه چاقوی او کشته شد.
متهم به قتل در جلسه دادگاه مدعی شد، ناخواسته مرتکب قتل شده است.
به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این جنایت از دی سال گذشته و با گزارش قتل مرد جوانی در یک نزاع درورامین آغاز شد.
در جریان تحقیقات مشخص شد، در این درگیری نریمان بر اثر اصابت ضربه چاقو به قلبش جان باخته است.

عامل جنایت هم با موتورسیکلت از محل فرار کرده بود.
چند مرد افغان که شاهد این جنایت بودند، شماره پلاک ضارب را به پلیس دادند و با ردیابی پلاک، او شناسایی و دستگیر شد.

فرشاد در تحقیقات گفت: «شب حادثه همراه دوست‌م به

ورامین رفته بودیم و در آنجا مشروب خوردیم. در میانه راه برای خرید توقف کردیم که چند مرد افغان را دیدیم که در حال خوردن مشروب بودند. به شوخی به آنها گفتم الان با پلیس تماس می‌گیرم که عصبانی شده و شروع به فحاشی کردند. در این لحظه، جوانی به نام نریمان برای دفاع از آنها با من درگیر شد و با سنگ ضربه‌ای به سرم زد. من هم با چاقو ابتدا ضربه‌ای به دستش زده و وقتی با دوستانش به سمت من حمله کردند، چاقو را در قلبش فروکردم. من قصد کشتن او را نداشتم و این جنایت در عالم مستی رقم خورد.»

با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کفرخواست برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.
در جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران، اولیای دم برای قاتل فرزندشان درخواست قصاص کرده و گفتند حاضر به بخشش او و دادن رضایت نیستند.

فرشاد هم در دفاع از خود ادعای جدیدی مطرح کرد و گفت: «قبول دارم مست بودم، اما قصدی برای کشتن نریمان نداشتم. وقتی با مردان افغان درگیر شدم، او برای هواخواهی از آنها با من درگیر شد که با چاقو ضربه‌ای به دستش زدم. بعد با هم روی زمین افتادیم و چاقو ناخواسته در قلبش فرورفت.»
سپس دوست فرشاد در جایگاه قرار گرفت و گفت: «در قتل نقشی نداشتم. فقط می‌خواستم با میانجیگری به دعوا پایان دهم.»

پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.